

مبارزه برای استقلال

مختصری از تاریخ اقتصادی و سیاسی هند

از آندره فیلیپ

طغیان شاهزادگان :

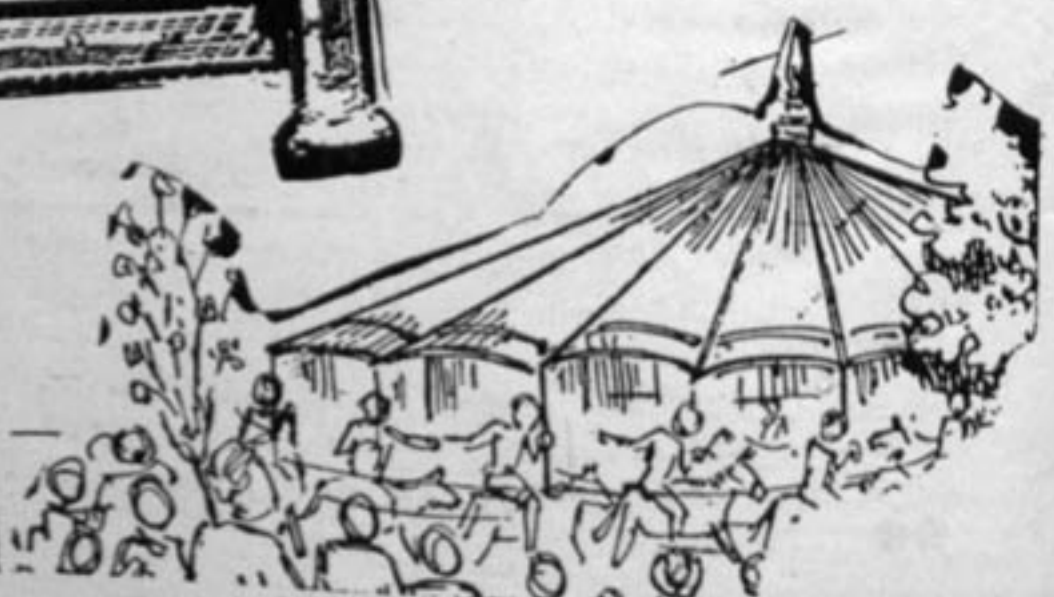
در سال ۱۸۵۷ اولین طغیان شاهزادگان و همچنین طغیان ارتشیان سیپای که در ارتش بریتانیا نام کرده بودند بوجود آمد. این طغیان در هم شکسته شد اما چون ریشه های این طغیان در بین اریستوکراسی هند بود و آنها حس میکردند که اول کمپانی هند و بعد دولت انگلستان از آنان سلب مالکیت و حکومت کرده سعی شد که جلب رضایتی از این اریستوکراسی بعمل آمده باشد :

هند را به دو قسمت تقسیم کردند :

اولا هند بریتانیا و ثانیاً شاهزاده نشینها (پرنسپوتها) که دویزیم خاک هند و یک ربع جمعیت هند را در برداشت. در هند بریتانیائی اداره کردن انگلیسی مستقیماً عمل میشد ، در شاهزاده نشین ها نوعی تحت الحمه یکی وجود داشت . مهاراجه سلطان ملقب بود باادر جنب او یک مشاور بریتانیائی وجود داشت که اعلام رأی می کرد و در صورتیکه آراء او خوانده نمیشد می توانست سلطان را معزول سازد .

در جریان قرنهای
استثناهای کمی شاهزاده
نشین ها عقب مانده
ترین نواحی هند باقی
ماندند ، قدرت مطلقه
فرمانفرمایان فتوال ، حق
مرک و حیات در باره تمام
سکنه ، اخذ مبالغه کزاف
از دهقانان تیره بخت ،
فرستادن و تقدیم زنها در
فسور شاهزاده ها و مقابر
متبرکه .

معذک بعضی رسوم
و آداب نویسی بوسیله چند
خانواده بزرگ شاهزادگان
استقرار یافت یعنی اصول
استبداد منور
انشا مهاراجه های
میسور و تراوانکور و
کوشین بودند .
ورق بزنید



میسور کشوری است در مرکز شبه جزیره دکن. کشور کاملاً مرفه و در حال شکفتگی بنوعی که مهاراجه توانست مهمترین قسمت عایدات را برای ساختن سد بزرگ و یک دریاچه مصنوعی مصرف کند. این تاسیسات اجازه داد که تمام نواحی واقع بین پایتخت میسور و مهمترین شهر که بن کالور باشد آبیاری شود. این وضع اجازه داد که در دوران نیمه اول قرن بیستم رشد اقتصادی قابل ملاحظه‌ای بوجود آید، که رهبری آنرا از ۱۹۰۲ باینطرف مهاراجه میسور بعهده گرفت، و پس از خود او بوسیله دو نفر از پسرانش که متعاقب هم بودند و بخصوص بوسیله مادر آنان موسوم به ماهارانی که بطور قابل ملاحظه‌ای کشور را اداره کرد. همچنین این جا ناحیه‌ای است که در آنجا ترقیات در راه تفاهم بین گروه‌های متضاد از همه بیشتر بود.

مهاراجه هند و یک نخست وزیر مسلمان داشت و رئیس دانشگاه میسور یک نفر کاتولیک بود، رسوم و آداب مذهبی مختلف معمولاً با هم اجرا شده و همکاری می‌کرد. ایالات کوشین و تراوانکور کاملاً در جنوب غربی هند واقع هستند در آنجا یک رسم موروثی هست مخصوصاً در کشور تراوانکور که مهاراجه ها همواره از پدر به پسر از روشنفکران هستند، رسم از این فرار است که مهاراجه وقتی به سن ۴۰ میرسد استعفا میدهد که خود را وقف مطالعه فلسفه بکند. این خانواده مهاراجه بطور موروثی از منتخبین روشنفکران بوده‌اند. این جا ناحیه‌ای از ساحل است که سکنه از لحاظ فرهنگی از همه پیشرفته تر هستند آنجائیکه با سوادان اکثریت را تشکیل می‌دهند و سطح زندگی از حد متوسط هندی بالاتر است.

صرف نظر از این استثناها که میسور و تراوانکور و کوشین باشند کشور های شاهزاده نشین همواره از لحاظ عقب ماندگی و بدبختی معروف بودند و بازوری و خنوت تمام و کمال اداره شده‌اند.

رژیم هند بریطانیایی :

در هند بریطانیا (از آخر قرن نوزدهم به بعد) طبقه‌ای از شخصیت‌های بازرگانی و همچنین طبقه روشنفکران جدید که از اینورسیته اکسفورد و کامبریج فارغ التحصیل شده بودند ظاهر گردیدند. اینها که در انگلستان بطور متناسب و شایسته تلقی شده بودند در زمان ورودشان به کشورشان هند زبون تلقی می‌گردیدند، آنها مقاماتی در ادارات بدست نمی‌آوردند و وقتی هم که محلی بدست می‌آوردند در زیر دست بریطانیایی‌هایی که درجه علمی مساوی و دیپلوم معادل با آنها نداشتند قرار می‌گرفتند و آنها مقام فرماندهی داشتند تنها بدلیل اینکه سفید پوست بودند.

شروع نهضت ملی هند :

هند شاهد شروع هیجان‌هایی شد که حتی در اوائل کار خود سلطه‌های بریطانیایی آنرا تشویق می‌کردند. در این لحظات یک نهضت اصلاحات مذهبی نیز شروع می‌شود. عده زیادی از روشنفکران پیروی از انگلیس‌ها می‌کنند و حتی عقیده مذهبی موروثی خود را نیز ترک می‌کنند، بعضی رؤیای واقعیت بخشیدن به ترکیبی را در فکر خود می‌پروراندند که بین ارزشهای فکری غرب و شرق بعمل آید باین ترتیب که افکار جدید را در هند و لیسم وارد کنند و آنرا به یک خداشناسی خیلی ابهام آمیز متمایل سازند بنوعی که بتواند رابطه باین ودا (نوشته‌های مذهبی هندو لیسم) و انجیل باشد. باین ترتیب سازمان براهمو سامای [Brahmo Samaj] بوجود آمد که آنرا یک شخصیت برجسته هندی متعلق به اوائل قرن نوزدهم بوجود آورد؛ مراهمورو از این ایده آل دفاع می‌کرد که یک ترکیب صحیح و همکاری با غرب بوجود آید، در حالیکه نسبت به خطوط اصلی هندو لیسم وفادار بمانند، اما اعتقاد ب مذهب واحد تمایلات ارتودوکس را رد می‌کرد و حق

نهضت اصلاحات مذهبی :

در این لحظات یک نهضت اصلاحات مذهبی نیز شروع می‌شود. عده زیادی از روشنفکران پیروی از انگلیس‌ها می‌کنند و حتی عقیده مذهبی موروثی خود را نیز ترک می‌کنند، بعضی رؤیای واقعیت بخشیدن به ترکیبی را در فکر خود می‌پروراندند که بین ارزشهای فکری غرب و شرق بعمل آید باین ترتیب که افکار جدید را در هند و لیسم وارد کنند و آنرا به یک خداشناسی خیلی ابهام آمیز متمایل سازند بنوعی که بتواند رابطه باین ودا (نوشته‌های مذهبی هندو لیسم) و انجیل باشد. باین ترتیب سازمان براهمو سامای [Brahmo Samaj] بوجود آمد که آنرا یک شخصیت برجسته هندی متعلق به اوائل قرن نوزدهم بوجود آورد؛ مراهمورو از این ایده آل دفاع می‌کرد که یک ترکیب صحیح و همکاری با غرب بوجود آید، در حالیکه نسبت به خطوط اصلی هندو لیسم وفادار بمانند، اما اعتقاد ب مذهب واحد تمایلات ارتودوکس را رد می‌کرد و حق

هر فرد را برای تغییر کردن متون مذهبی ودا را در روشنائی وجدان خودش تا کیدمی کرد. یک سازمان دیگری بنام اریا سامای بوجود می‌آید که بالعکس بر علیه تمام اشکال تمدن غربی قیام میکند و برگشت به تعلیمات مقدس ودارا وعظ و توصیه میکند. این نوعی از ناسیونالیسم فرهنگی مذهبی است، اما در عین حال نهضتی برای اصلاحات داخلی است. اریا ساسایا ارزشهای صرفاً فرهنگی هندو لیسم را تاکید میکند مصمم می‌شود که بر ضد اعتقاد به نجس بودن مبارزه کند و راجع به وضعیت پست که برای بیوه‌ها قائل‌اند مجاهده میکند، و حجاب زنان را بی مورد تلقی میکند. او مدعی است که می‌توان در متون مقدس خط مشی‌های کافی برای مواجه شدن باتمام این مسائل پیدا کرد، او با حرارت تمام بر علیه فرستاده‌های (میلیونر) مسیح و مسلمان مبارزه میکند.

انعکاسات در روی سطح سیاسی :

اریا ساسایا انعکاسهایی را نیز در سطح سیاسی بدست می‌آورد این جریان از آنوقت پیش می‌آید که شخصیتی بنام تیلاک Tilak ما بین رهبران کنکره بدرجات اول نائل می‌شود، این شخص که ریاضی دان بزرگی است بوسیله اریا ساسایا تربیت شده بود و در محیط کینه نسبت به افکار غربی بار آمده بود. می‌توان گفت که او هم از لحاظ مذهبی و هم اقتصادی و اجتماعی بیشتر ارتجاعی بود تا ترقی خواه. او تمام دردهای هند را به اشغال انگلیسی مربوط میکند، از سخت‌ترین و متعصب‌ترین (ارتودوکس) هندو لیسم دفاع میکند، قانونی را که ازدواج اطفال را پیش از دوازده سالگی قدغن می‌کند رسوا میداند و بعنوان بی حرمتی تلقی میکند، و آنرا جریحه دار کردن فرهنگ ملی میدانند، رسوم و آداب خدای Kali را تشویق میکند و نگاهداری اصول اختلافات مربوط به کاست‌ها را توصیه و با حرارت بی‌مانندی با هر شکل از لیبرالیسم مبارزه میکند. اما برای رسیدن باین هدف‌ها، همانطور که تا آنوقت معمول اعضاء کنکره نمی‌بود خود را محدود به مخالفت‌هایی از نوع اصول پارلمانی نمی‌کنند و بزودی بایکوت کردن تولیدات بریطانیایی را اعلام میکنند که اسم آنرا سوادیش می‌نامند و حتی آنقدر پیش می‌رود که طغیان یا شورش با خشونت را نیز اعلام میکنند.

اولین اصلاحات

در این موقع انگلیس‌ها در ۱۹۰۷ دخالت و اقدام میکنند، تیلاک بازداشت و محکوم به ۶ سال زندان می‌گردد، در عین حال اصلاحاتی بشکل ابداع شوراهای قانونگذاری ایالتی اعلام می‌شود، هر چند اکثریت اعضاء آن شوراهای انتصابی هستند، اما عده‌ای نیز انتخاب می‌شوند. در حالیکه پست‌هایی در مقامات بالا برای هندبهای جوان تعیین می‌شود مسئله هندی کردن ادارات شروع می‌گردد. در این مورد موفقیت پیدا می‌شود و از سال ۱۹۰۹ به این طرف اینبار یک نفر بسا تمایلات معتدل و متمایل به تمدن غربی است که موثرترین عضو کنکره است اسم او گوخال است و بطور محکم سازمان بوجود می‌آورد. در همان زمان اصلاحات مذهبی در صدد پیدا کردن راه ترکیبی با غرب هستند این فکر بکدک و بوه کانادا تقویت می‌شود، و مخصوصاً با ورود راماکریشنام به صحنه که رومن رولان او را معرفی و تشریح کرده، یک «رسالت راماکریشنا» متشکل می‌گردد که تمایلات مذهبی اعضاء سازمان را متوجه عمل خدمت اجتماعی کند.

تمایلات ملی نوین :

بنابراین در مقابل دونهضت مخالف هم قرار داریم: اریا ساسایا از طرفی با تمایلات ناسیونالیستی ضد غربی و از طرف دیگر راماکریشنا، اما هر دو آنها در عین حال (یکی از لحاظ منفی و دیگری بشکل سازنده) تظاهر و تجسمی از تمایلات نوین ملی هستند. هند بخود می‌آید و از ارزش‌های خاص خود آگاه می‌شود، این بیداری و آگاه شدن از ارزشهای ملی با کامل‌ترین شکل خود در عمل سیاسی مذهبی گاندی تظاهر و تجسم می‌یابد که در تحت تاثیر آن بزرگترین تحول توده‌ای باستانه اجرا شدن می‌رسد.